

شناسایی موانع توسعه شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان ارومیه

فاطمه کاظمیه^{۱*}، اسماء عیدی^۲ و صادق اسمعیلی^۳

چکیده

تشکیل و گسترش شرکتهای تعاونی روستایی یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهبردهای توسعه‌ی بخش کشاورزی و جامعه‌ی روستایی ایران در نیم قرن اخیر به شمار می‌رود. لذا با توجه به نقشی که شرکتهای تعاونی روستایی در این راستا می‌توانند داشته باشند تحقیق حاضر با هدف شناسایی موانع توسعه شرکتهای تعاونی روستایی در شهرستان ارومیه انجام گرفت. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی تحلیلی-اکتشافی می‌باشد و رویکردی کیفی-کمی دارد. جامعه آماری مشتمل بر دو گروه بود. گروه اول صاحب نظران و متخصصان در امور تعاونی روستایی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با ۱۵ نفر انجام شد. گروه دوم مدیران و اعضای هیئت مدیره شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان ارومیه در سال ۱۴۰۰ به تعداد ۱۲۰ نفر بودند که با توجه به محدود بودن جامعه آماری از روش سرشماری برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. اخذ و گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی انجام یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی و به کمک نرم‌افزار *SPSS22* انجام شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که موانع توسعه شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان ارومیه در قالب هفت عامل فرهنگی-اجتماعی، ویژگی‌های ساختاری، اقتصادی، مدیریتی، سیاستی، سازمانی-حمایتی و خدماتی طبقه‌بندی شدند و عامل اول با نام فرهنگی-اجتماعی و با تبیین ۱۱/۴۱ درصد از تغییرات واریانس به عنوان مهم‌ترین عامل معرفی شد که پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضای تعاونی، اختلافات میزان اعضا و ارکان تعاونی، پایین بودن روحیه مسئولیت-پذیری در بین اعضای تعاونی از جمله متغیرهای واقع شده در این عامل بودند. براساس نتایج به دست آمده، مشکلاتی که در هفت عامل خلاصه شده‌اند حدود ۶۲ درصد تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کردند. باتوجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود ارتقاء آگاهی اعضا از طریق برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی در رابطه با ماهیت و کارکرد تعاونی‌ها، برنامه‌ریزی اصولی و واقع‌بینانه براساس نیازهای تعاونی و رفع مشکلات مرتبط با نظام بانکی در اولویت برنامه‌های مرتبط با توسعه تعاونی‌های روستایی در شهرستان ارومیه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: شرکتهای تعاونی روستایی، تکنیک دلفی، شهرستان ارومیه، موانع.

^۱ - استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز

^۲ - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز

^۳ - کارشناس ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز

(* نویسنده مسئول: kazemiyeh@tabrizu.ac.ir)

مقدمه

تعاون به عنوان یک نهضت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران از سال ۱۳۰۳ شمسی با تصویب اولین قانون تجارت زمینه‌ی قانونمند شدن را پیدا کرد. شرکت‌های تعاونی روستایی همگام با اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ جهت تهیه و تدارک وام، نهاده‌های کشاورزی، کالاهای مصرفی موردنیاز و خرید و فروش محصولات کشاورزی اعضای روستایی به عنوان یک نهاد توسعه‌ای برای رفاه و ارتقاء سطح زندگی آنان به وجود آمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصول ۴۳ و ۴۴ بخش تعاون را در کنار بخش دولتی و خصوصی به عنوان یکی از بخش‌های سه‌گانه اقتصاد کشور تعیین کرد (آرین‌نیا، ۱۳۹۲). در همین راستا دولت از دیرباز برنامه‌های گسترده‌ای را جهت تقویت این بخش بکار گرفته است چرا که با توجه به افزایش جمعیت، کاهش منابع و امکانات و نیز پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید در کشور، دستیابی به معیشت پایدار و تحقق اهداف توسعه روستایی بدون توجه به مقوله‌ی تعاونی روستایی و بهبود وضعیت آن میسر نخواهد شد.

تعاونی‌های روستایی به دلیل نقش رابط خود بین تولیدکنندگان روستایی، دولت و مصرف‌کنندگان، عامل مناسبی برای رسیدن به اهداف توسعه به شمار می‌روند (بالالی و همکاران، ۱۳۹۶). اکثر صاحب نظران، نهضت تعاونی را دارای وظیفه و مأموریتی می‌دانند که مبتنی بر دو عنصر اجتماعی و اقتصادی است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۴). این نهاد مردمی با ارائه تسهیلات مالی ناشی از یک کاسه کردن درآمدهای اندک روستاییان، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، ایجاد امکانات رفاهی، ایجاد ارزش افزوده برای محصولات، فعالیت در زمینه امور بازرگانی و بازاریابی، تهیه وسایل و امکانات موردنیاز برای فعالیت‌های کشاورزی، ارائه و آموزش روش‌های صحیح و به روز کشاورزی و به تبع حفظ منابع آبی و خاکی، ارائه خدمات با قیمت پایین‌تر به دلیل حذف واسطه‌ها و مبارزه با فقر موجب توسعه اقتصادی در مناطق تحت پوشش می‌شوند (سبزی، ۱۳۹۴).

شرکت‌های تعاونی روستایی علاوه بر ماهیت اقتصادی‌شان، به عنوان ابزاری مناسب، مطمئن و کارآمد جهت نهادینه کردن نظام مردم سالاری و رسیدن به عدالت اجتماعی به شمار می‌روند. بطوری که مسئولین و مدیریت سازمان تعاونی روستایی نیز رسالت این سازمان را افزایش نرخ مشارکت، ارتقاء سطح دانش، بهره‌وری مطلوب از منابع روستایی، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه و نگهداشت جمعیت و نیز برقراری توازن میان توسعه روستایی و شهر، از طریق ارائه بهتر خدمات ویژه در راستای وظایف مشخص قانونی به کشاورزان روستایی عضو تعاونی‌ها اعلام کرده‌اند (کریم، ۱۳۹۴). در ۴۰ سال گذشته ۳۲ هزار روستا و آبادی در کشور تخلیه شده‌اند. تعداد روستاهای کشور از حدود ۹۲ هزار روستا در سال ۱۳۵۵ به ۶۰ هزار روستا در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (عیدی و کاظمیه، ۱۴۰۰). یکی از دلایل اصلی این کاهش جمعیت را می‌توان در بیکاری یافت. توسعه تعاونی‌های روستایی یکی از راه‌های کاهش بیکاری و در نتیجه جلوگیری از مهاجرت بیش از حد جمعیت روستایی است. با شکل‌گیری و توسعه تعاونی‌ها در مناطق روستایی، توانمندی‌های روستاییان بالا می‌رود و این امر موجبات کارآفرینی، فقرزدایی و تأمین معیشت پایدار، مدیریت بحران، ریسک‌پذیری، انتخاب‌های آگاهانه‌تر و کاهش آسیب‌پذیری در زندگی توسط روستاییان تحقق می‌بخشد

(برقی و شایان، ۱۳۹۶). توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی از لحاظ تأمین توسعه پایدار منطقه‌ای نیز حائز اهمیت است. بطوری که دستیابی به توسعه منطقه‌ای بدون توجه به توسعه روستاها و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی امکان‌پذیر نیست. برای رسیدن به این منظور توجه به دو عنصر الزامی است. اولین عنصر، مشارکت مردم در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه است و عنصر دوم ایجاد تشکلهایی است که مشارکت مردم در قالب آنها معنا و مفهوم می‌یابد. بر این اساس توسعه تعاونی‌ها به عنوان یکی از تشکلهای ساختارمند در جهت ایجاد مشارکت مردمی برای توسعه شهرهای کوچک و روستاها که مبنای توسعه منطقه‌ای است، اهمیت می‌یابد (زارعی و طریقت مهربانی، ۱۳۹۸).

با توجه به نقشی که شرکت‌های تعاونی روستایی می‌توانند در دستیابی به اهداف توسعه روستایی بر عهده داشته باشند در این راستا شناسایی چالش‌ها و موانع توسعه تعاونی‌های روستایی به عنوان یک نهاد با سابقه را می‌توان از جمله راهکارهای اصلی در فرایند توسعه روستایی دانست که قادر است بسیاری از مشکلات کشاورزان را حل نموده و در توسعه پایدار روستایی موثر باشد. این در حالی است که چالش‌هایی که این نهادها با آن روبرو هستند موجب عدم کارایی و محدود شدن رشد و توسعه آنها شده است و بدون شک موفقیت این نهادها در گرو شناسایی موانع و مشکلات آنهاست. از این رو هدف از انجام این پژوهش شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی‌های روستایی در شهرستان ارومیه بود. شناسایی چالش‌ها و موانع توسعه تعاونی‌های روستایی از دو بعد ضرورت دارد. نخست آنکه طبق اصل ۴۴ قانون جمهوری اسلامی ایران به تعاونی به عنوان یکی از پایه اساسی اقتصاد کشور توجه ویژه شده، به خصوص در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا لزوم توسعه این بخش و نقش محوری آن در استقرار عدالت اجتماعی به موازات رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. دوم آنکه شرکت‌های تعاونی روستایی با توجه به حجم بالای اعضای زیر پوشش، زندگی بخش عظیمی از جمعیت روستایی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، شناسایی مشکلات آنها می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی روستاییان کشور داشته باشد. با توجه به هدف و محدوده‌ی موضوعی تحقیق، در ادامه به مرور برخی از مطالعات انجام گرفته در حیطه‌ی مسئله‌ی مورد پژوهش پرداخته شده است.

قیطاسوندی (۱۳۹۴) در تحقیقی عملکرد تعاونی‌های بخش کشاورزی و علل موفقیت و موانع توسعه آنها را بررسی کرد. نتایج مطالعه نشان داد که در مجموع تعاونی‌های موجود در کشور نتوانسته‌اند اثرات اقتصادی، اجتماعی و آموزشی قابل انتظاری را بر جای بگذارند. از جمله این دلایل ضعف مدیریت تعاونی‌ها، عدم استفاده از نیروهای متخصص، پایین بودن تحصیلات مدیران و فقدان آموزش، بی‌توجهی به نظام تعاون در اقتصاد کشور، شفاف نبودن وظایف تعاونی می‌باشد. طراحی و تدوین دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و استفاده از نیروهای متخصص و تحصیلکرده در مدیریت تعاونی‌ها از جمله پیشنهادات پژوهش بود. در تحقیقی دیگر نصرالهی و همکاران (۱۳۹۴) عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران در استان گیلان را بررسی کرده و دریافتند که هفت عامل آموزشی، مشارکتی، حمایتی، توسعه‌ای، مدیریتی، مسئولیتی و دولتی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران استان گیلان را تشکیل می‌دهند. ناکافی بودن حمایت‌های دولتی، عدم ارتباط مناسب بین تولید و بازاریابی، عدم بازاریابی مناسب محصولات، سیاست‌های اعتباری نادرست، ناآشنایی اعضا با اصول تعاونی، عدم بهره‌مندی از اعتبارات و تسهیلات دولتی و بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری بلندمدت از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران بودند.

بسترسازی در سطوح مختلف پژوهشی و علمی در رابطه با فناوری‌های ارتباطی و نوآوری مرتبط با شرکت‌های تعاونی و حمایت‌های مالی دولت از پیشنهادات پژوهش بود.

کریم (۱۳۹۴) در تحقیق خود چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های وی نشان داد که موانع سیاسی با ضریب تأثیر ۰/۵۹۴ بیشترین تأثیر و عوامل اجتماعی - فرهنگی با ضریب ۰/۰۹۹ کمترین سهم را در چالش‌های تعاونی‌های روستایی دارد. مرادزادی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به شناسایی و تحلیل مشکلات شرکت‌های تعاونی مرزنشین شهرستان ایلام پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که عامل‌های سیاستی و اداری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیرساختی ۶۱/۲۶ درصد از واریانس مشکلات شرکت‌های تعاونی را تبیین می‌کنند. حمایت دولت از فروش محصولات تولید شده در مناطق مرزی و توسعه راه‌های تردد در مناطق مرزی با همکاری وزارت راه و ترابری از پیشنهادات این پژوهش بود.

هادی‌زادبازار و بوزرجمهری (۱۳۹۵) نشان دادند که مهم‌ترین عوامل موثر در بهبود عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی از دیدگاه کارشناسان و مدیران عامل تعاونی‌ها، حمایت‌های مالی دولت در اجرای اقدامات زیربنایی است. و بعد از آن‌ها نحوه مدیریت و میزان انگیزه و مشارکت اعضاء به ترتیب در بهبود عملکرد تعاونی‌ها موثر هستند. خسروی و یزدانی (۱۳۹۶) علل ناکارآمدی سیاست‌های کلی قانون اساسی در توسعه بخش تعاونی را تحلیل کرده و دریافتند که اهم بندهای این سیاست‌های کلی در حوزه تعاون یا به نحو مناسب تقنین نشده و یا به اجرا در نیامده است. در تحقیق دیگر بلالی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که شناخت وظایف و اهداف تعاونی، همدلی بین اعضا و ارکان مدیریتی تعاونی روستایی، حمایت‌ها و مساعدت‌های اداره تعاون، ارتباط تعاونی روستایی با سازمان‌های مرتبط، مشارکت‌پذیری بین اعضا و حمایت‌های قانونی دولت، اثر مثبتی بر عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی دارند. کریمیان و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به شناسایی چالش‌های توسعه تعاونی‌ها و تشکل‌های روستایی در شهرستان بویر احمد پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد عوامل زیرساختی، سرمایه‌ی اجتماعی، اقتصادی، اطلاع‌رسانی، مشکلات فروش، بازاریابی، فنی، آموزشی، حمایتی، محیطی، قانونی، اجتماعی، مدیریتی و فردی ۷۷/۶۷ درصد از واریانس چالش‌های توسعه تعاونی‌ها و تشکل‌های روستایی را تبیین می‌کنند.

صاحب‌دل علی جهانی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی عملکرد مالی تعاونی‌های روستایی استان گیلان پس از اجرای طرح خرید و فروش متمرکز نهاده‌های کشاورزی پرداختند. نتایج مطالعات آنان نشان داد که اهرم مالی، اندازه‌ی تعاونی، تسهیلات دریافتی و زمان اجرای طرح اثر معکوس بر حقوق صاحبان سهام تعاونی‌ها دارد. آسیب‌شناسی اجرای طرح و استفاده از تجربه شرکت‌های مشاور و گروه‌های مدیریتی پیشرو از پیشنهادات پژوهش به منظور بهبود عملکرد تعاونی‌ها در تحقق طرح‌های نظیر خرید متمرکز بود.

اونال^۱ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان مقایسه تعاونی‌های موفق و ناموفق به این نتیجه رسید که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم موفقیت این تعاونی‌ها، نبود همبستگی میان اعضاء، فقدان سرمایه‌گذاری، پایین بودن سطح سواد اعضاء و مدیران تعاونی، فقدان مدیر واجد شرایط و

^۱ - Unal

ناکافی بودن حمایت‌های دولتی بوده است. ارائه‌ی برنامه‌های به آموزشی مدون و بلند مدت و اصولی در سطوح مختلف برای اعضا و مدیران و سرمایه‌گذاری و تأمین مالی تعاونی‌ها از جمله پیشنهادات پژوهش بود. بریسکو^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی موانع موفقیت تعاونی‌های تولیدی را شناسایی کرد. عدم توجه به آموزش اعضا، عدم میزان ارتباط درونی و عاطفی، عدم توجه به بازاریابی محصولات کشاورزی، عدم اعمال رهبری پویا توسط هیئت مدیره از یافته‌های این پژوهش بود.

رودریگوئز و کاليج^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های کشاورزی کلمبیا پرداخته و دریافتند که دسترسی به زمین، دسترسی به فناوری و خدمات فنی، دسترسی به بازار و قابلیت‌های مدیریتی و عمل جمعی از جمله مهم‌ترین عوامل موفقیت تعاونی‌های کشاورزی در کلمبیا می‌باشند. کییائو و جیان هوآ^۳ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای به بررسی خصوصیات و چالش‌های تعاونی‌های روستایی در چین پرداختند. نتایج نظرسنجی از ۱۶ روستا در استان شانشی^۴ نشان داد که تعاونی‌های روستایی به تدریج به سمت تخصص، استقلال و رهبری روستایی تمایل یافته‌اند ولی از لحاظ محدوده خدمات، کیفیت و محتوا نمی‌توانند بطور مؤثر نیاز خانواده‌های کشاورزان را برآورده کنند و با مشکلات و چالش‌های بسیاری در فرایند توسعه روبرو هستند. پوجارا^۵ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به شناسایی مشکلات تعاونی‌های تولیدی در بخش کشاورزی پرداخته است. وی فقدان مهارت‌های بازاریابی، کمبود همکاری، وضعیت اقتصادی ضعیف اعضا، دسترسی به بازارهای محلی محدود و کوچک، مدیریت ضعیف، نامناسب بودن رهبری، عدم درک متقابل، اندک بودن تعامل و همکاری بین اعضا در مشارکت در فعالیت‌ها، نداشتن برند و مارک معتبر، وجود واسطه‌ها، وابستگی به دولت مرکزی را از جمله مشکلات تعاونی‌های تولیدی در بخش کشاورزی برشمرده است.

بالداسچینو^۶ همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به تحلیل موانع توسعه تعاونی‌ها در کشور مالت پرداختند. نتایج مطالعات آنان نشان داد که فقدان آموزش و آگاهی اصلی‌ترین موانع توسعه شرکت‌های تعاونی در این کشور هستند. آنها برای رشد و توسعه جنبش تعاونی‌ها مقابله با کمبود آموزش و آگاهی و افزایش میزان همکاری بین تعاونی‌ها را به منظور رفع چالش‌ها و افزایش کارایی پیشنهاد کردند.

در مطالعه‌ای دیگر نوراشیکین^۷ (۲۰۱۸) نشان داد که توسعه و گسترش تعاونی‌ها می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم به بسیاری از افراد که به نوعی با چنین شرکت‌هایی در ارتباط هستند (سهامدار، کارمند و مشتری) کمک نموده و از این طریق توسعه پایدار جوامع را رقم زند. فیصلی و نیک‌نامی (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای اثرات تعاونی‌های کشاورزی را بر اشتغال پایدار مناطق روستایی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که تعاونی‌های کشاورزی بر کارکردهای اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و تولیدی منطقه مورد مطالعه تأثیر مثبت داشته است و حدود ۶۶ درصد از اشتغال پایدار روستایی را تبیین می‌کنند.

1- Briscoe

2- Rodriguez and College

3- Qiao and Jian-hua

4- Shanxi

5- Pujara

6- Baldacchino

7- Norashikin

با توجه به مطالب ارائه شده و ادبیات موضوع لزوم توجه بیش از پیش به شرکت‌های تعاونی روستایی به عنوان پلی میان آحاد جامعه روستایی و دولت ضرورت دارد. بررسی‌ها حاکی از آن است که با وجود حضور چندین ساله‌ی شرکت‌های تعاونی در مناطق روستایی و داشتن نقش بارز در عرضه خدمات به این مناطق، هنوز توسعه این شرکت‌ها با موانع و مشکلات متعددی مواجه است که از کارایی و اثربخش‌شان کاسته است. بر این اساس، تحقیق حاضر با هدف شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه طراحی گردید. نتایج این تحقیق راهکارهای مناسبی را در خصوص اقداماتی که باید برای رفع مشکلات تعاونی‌های روستایی صورت بگیرد در اختیار مسئولان ذیربط قرار می‌دهد که در نهایت باعث تقویت عملکرد و توانمندی‌سازی شرکت‌های تعاونی روستایی خواهد شد.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با هدف شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه انجام شده است که از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی تحلیلی-اکتشافی می‌باشد و رویکردی کیفی کمی دارد. جامعه آماری این پژوهش مشتمل بر دو گروه است. گروه اول را اعضای دلفی به تعداد ۱۵ نفر که شامل افرادی متخصص، صاحب‌نظر و دارای تجربه کافی در امور تعاونی روستایی بودند تشکیل دادند و از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. گروه دوم مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه به تعداد ۱۲۰ نفر بودند که از طریق سرشماری انتخاب گردیدند. اخذ و گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی انجام یافت. که در کار میدانی از دو گونه پرسشنامه استفاده شد. گونه‌ی نخست که جهت انجام دلفی برای شناسایی چالش‌ها و موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی تهیه شده بود در چهار دور تکرار شد. هر دور مشتمل بر یک سری پرسشنامه بود که براساس نتایج حاصل از مرحله پیشین شکل گرفت. در واقع نتایج هر دور بعد از تدوین در قالب پرسشنامه به شرکت‌کنندگان ارجاع گردید ضمن اینکه در طول تکرارهای پی‌درپی شرکت‌کننده‌ها می‌توانستند پاسخ خود را در انطباق با پاسخ همه‌ی شرکت‌کنندگان ارزیابی نمایند. پرسشنامه‌ی دوم و اصلی این تحقیق که در تهیه و تدوین آن از نتایج حاصل از دلفی استفاده گردید مشتمل بر سه بخش به شرح ذیل بود؛

- در بخش اول مقدمه‌ای برای آشناسدن پاسخ دهندگان به هدف تحقیق آورده شد،
 - در بخش دوم ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان مورد پرسش قرار گرفت،
 - و در بخش سوم برای شناسایی موانع تعاونی‌های روستایی از ۲۱ سوال در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد.
- همانطور که ذکر شد با توجه به رویکرد پژوهش و به منظور افزایش روایی صوری پرسشنامه اصلی با استفاده از پیشینه‌های تجربی و نظری تحقیق و نیز نتایج حاصل از مشاهدات میدانی مجموعه گویه‌هایی در مورد چالش‌ها و موانع توسعه تعاونی‌های روستایی تهیه گردید سپس به شیوه‌ی دلفی و در قالب پرسشنامه‌ی نیمه‌ساختارمند از صاحب‌نظران و متخصصین خواسته شد که در قالب مقیاس طیف لیکرت میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌ها مشخص نموده و ضمن درج دیدگاه‌ها در صورت لزوم گویه‌های دیگری را نیز پیشنهاد نمایند. پس از اخذ نظرات متخصصان در دور اول، پرسشنامه دیگری در قالب طیف لیکرت طراحی و جهت رتبه‌بندی در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار داده شد.

در مرحله بعد پس از تحلیل نتایج دور دوم، مجددا پرسشنامه با استفاده از نظرات پانل متخصصان اصلاح و مجددا در اختیار پاسخگویان قرار گرفت، به همین ترتیب دور سوم دلفی نیز انجام شد. در دور چهارم نیز آخرین فرصت برای شرکت‌کنندگان فراهم شد تا در نظرات خود تجدیدنظر کنند. و در نهایت گویه‌های پرسشنامه‌ی اصلی به طور دقیق مشخص و تنظیم گردید و در اختیار گروه دوم در جامعه نمونه قرار گرفت و بدین ترتیب مرحله‌ی دوم پژوهش صورت پذیرفت. در راستای برآورد پایایی پرسشنامه دوم نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۸۵۱ بدست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی و به کمک نرم‌افزار *Spss22* انجام شد.

نتایج

نتایج و بحث آمار توصیفی

۱- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای اعضای گروه دلفی

ترکیب اعضای گروه دلفی شامل شش نفر از اساتید و هیات علمی دانشگاه، شش نفر از اعضا کارگروه‌های تخصصی تعاونی‌های روستایی و سه نفر هم از مدیران اداره تعاون بودند. میانگین سنی پاسخگویان در حدود ۳۸ سال بود که کمترین آن‌ها ۳۱ و بیشترین آن‌ها ۴۵ سال داشتند. تمامی اعضا گروه دلفی دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

۲- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های تعاونی روستایی

نتایج پژوهش نشان داد که ۱۱۷ نفر از پاسخگویان مرد و سه نفر زن بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۳/۴۵ سال بود. که کمترین آن‌ها ۲۳ و بیشترین آن‌ها ۶۲ سال داشتند. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۲۶/۸ درصد پاسخگویان دارای مدرک دیپلم، ۲۹/۸ درصد دارای مدرک کاردانی، ۲۸ درصد دارای مدرک کارشناسی و حدود ۱۵/۴ درصد آن‌ها دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

نتایج و بحث آمار استنباطی

(۱) نتایج روش دلفی

مرحله اول دلفی

در مرحله اول، پرسشنامه‌ای نیمه ساختارمند در رابطه با شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه در اختیار متخصصان و صاحب نظران قرار گرفت.

جدول ۱. فهرست موانع توسعه تعاونی‌های روستایی در مرحله اول دلفی

ردیف	گویه
۱	کاهش تدریجی وظایف تعاونی‌ها و دوری از وظایف تعریف‌شده در اساسنامه
۲	بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و اخذ آن
۳	فقدان مدیریت شایسته و توانمند تعاونی‌ها یا ارگان ناظر
۴	رضایت‌بخش نبودن فعالیت‌های آموزشی و ترویجی
۵	کمبود سرمایه و توان مالی شرکت‌های تعاونی
۶	نبود رابطه‌ی مشارکت واقعی میان دولت و تعاونی‌ها
۷	بالا بودن میانگین سنی اعضاء
۸	دخالت دولت و وجود سیستم مدیریتی از بالا به پایین
۹	کم بودن شناخت مسئولان از نیازهای واقعی تعاونی‌ها
۱۰	عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مراکز دولتی با تعاونی‌ها
۱۱	تجهیز نبودن تعاونی‌های روستایی به استانداردهای روز
۱۲	عدم ایفای نقش در بازاریابی و فروش محصولات اعضا
۱۳	روزمرگی و فقدان برنامه‌ریزی در تعاونی
۱۴	نبود مشارکت آگاهانه و فعال اعضاء در تصمیم‌گیری‌های تعاونی
۱۵	مشخص نبودن سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در قبال تعاونی‌ها
۱۶	پایین بودن روحیه مسئولیت‌پذیری در بین اعضاء تعاونی
۱۷	اختلافات میان اعضا و ارکان تعاونی
۱۸	پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضاء تعاونی

مرحله دوم دلفی

پس از دریافت پاسخ‌ها و بررسی دیدگاه‌های متخصصان در مرحله اول گویه‌های پیشنهادی اضافه، گویه‌های مشابه و نزدیک بهم در یکدیگر ادغام و بصورت پرسشنامه‌ای بسته، در قالب ۲۳ گویه برای اولویت‌بندی و تعیین میزان موافقت با هر گویه بصورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، نظری ندارم = ۳، موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵) مجدداً در اختیار متخصصان و صاحب‌نظران قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول (۲) آورده شده است. همانطوری که از نتایج پیداست، پاسخگویان با ۲۱ مورد از گویه‌های شناسایی شده موافق بودند (میانگین بالاتر از ۲/۵ از ۵). همچنین طبق یافته‌ها، پاسخگویان با گویه‌های ضعف بازرسی و کنترل و ضعف سیستم‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات آنچنان موافق نبودند.

جدول ۲. ترتیب اهمیت موانع استخراج شده در مقوله شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه براساس ضریب تغییرات در مرحله دوم دلفی

ردیف	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	کاهش تدریجی وظایف تعاونی‌ها و دوری از وظایف تعریف‌شده در اساسنامه	۴/۶۰	۰/۵	۰/۱۰۹
۲	بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و اخذ آن	۳/۸۶	۰/۶۳	۰/۱۶۳
۳	فقدان مدیریت شایسته و توانمند تعاونی‌ها یا ارگان ناظر	۴/۰۶	۰/۷	۰/۱۷۲
۴	رضایت‌بخش نبودن فعالیت‌های آموزشی و ترویجی	۴/۱۳	۰/۷۴	۰/۱۷۹
۵	کمبود سرمایه و توان مالی شرکت‌های تعاونی	۳/۸۶	۰/۷۴	۰/۱۹۲
۶	نبود رابطه‌ی مشارکت واقعی میان دولت و تعاونی‌ها	۴/۲	۰/۸۶	۰/۲۰۵

۰/۲۰۷	۰/۵۱	۲/۴۶	ضعف سیستم‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات	۷
۰/۲۱۵	۰/۸۳	۳/۸۶	بالا بودن میانگین سنی اعضا	۸
۰/۲۴۱	۰/۸۲	۳/۴	دخالت دولت و وجود سیستم مدیریتی از بالا به پایین	۹
۰/۲۴۷	۰/۹۴	۳/۸	کم بودن شناخت مسئولان از نیازهای واقعی تعاونی‌ها	۱۰
۰/۲۵۷	۰/۹۶	۳/۷۳	عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مراکز دولتی با تعاونی‌ها	۱۱
۰/۲۶۶	۱/۰۱	۳/۸	کم‌سواد و بی‌سواد اعضا	۱۲
۰/۲۸۰	۰/۹۹	۳/۵۳	تجهیز نبودن تعاونی‌های روستایی به استانداردهای روز	۱۳
۰/۲۸۴	۱/۰۴	۳/۶۶	عدم ایفای نقش در بازاریابی و فروش محصولات اعضا	۱۴
۰/۲۸۴	۱/۰۸	۳/۸	روزمرگی و فقدان برنامه‌ریزی در تعاونی	۱۵
۰/۲۹۲	۱/۰۹	۳/۷۳	نبود مشارکت آگاهانه و فعال اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی	۱۶
۰/۳	۱/۰۶	۳/۵۳	مشخص نبودن سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در قبال تعاونی‌ها	۱۷
۰/۳۷۵	۰/۷۵	۲	ضعف بازرسی و کنترل	۱۸
۰/۳۷۷	۱/۱۸	۳/۱۳	نداشتن آگاهی و شناخت اعضا از اهداف و قوانین تعاونی	۱۹
۰/۳۹۰	۱/۲۷	۳/۲۶	پایین بودن روحیه مسئولیت‌پذیری در بین اعضای تعاونی	۲۰
۰/۳۹۰	۱/۲۷	۳/۲۶	عدم جلب اعتماد کافی اعضا	۲۱
۰/۴۱۵	۱/۲۷	۳/۰۶	اختلافات میان اعضا و ارکان تعاونی	۲۲
۰/۴۱۷	۱/۲۵	۳	پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضای تعاونی	۲۳

مرحله سوم دلفی

در مرحله سوم، گویه‌های نهایی شده از مرحله دوم مجدداً در اختیار متخصصان قرار گرفت. هدف پرسشنامه سوم رسیدن به اجماع بود.

نتایج حاصل از این مرحله در جدول ۳ آمده است. همان‌طور که از نتایج مشخص است، میزان موافقت با گویه‌ها بیش از میزان مخالفت با آنهاست. بنابراین می‌توان گفت در مورد ۲۱ گویه توافق نسبی وجود دارد.

جدول ۳. سطح توافق متخصصان با موانع استخراج شده در مقوله شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه در مرحله سوم دلفی

ردیف	گویه	درصد موافقت	درصد مخالفت
۱	کاهش تدریجی وظایف تعاونی‌ها و دوری از وظایف تعریف‌شده در اساسنامه	۸۹	۱۱
۲	بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و اخذ آن	۸۸	۱۲
۳	فقدان مدیریت شایسته و توانمند تعاونی‌ها یا ارگان ناظر	۸۵	۱۵
۴	رضایت‌بخش نبودن فعالیت‌های آموزشی و ترویجی	۸۴	۱۶
۵	کمبود سرمایه و توان مالی شرکت‌های تعاونی	۸۴	۱۶
۶	نبود رابطه‌ی مشارکت واقعی میان دولت و تعاونی‌ها	۸۱	۱۹
۷	بالا بودن میانگین سنی اعضا	۷۸	۲۲
۸	دخالت دولت و وجود سیستم مدیریتی از بالا به پایین	۷۵	۲۵
۹	کم‌بودن شناخت مسئولان از نیازهای واقعی تعاونی‌ها	۷۴	۲۶
۱۰	عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مراکز دولتی با تعاونی‌ها	۷۴	۲۶
۱۱	کم‌سواد و بی‌سواد اعضا	۷۲	۲۸
۱۲	تجهیز نبودن تعاونی‌های روستایی به استانداردهای روز	۷۰	۳۰
۱۳	عدم ایفای نقش در بازاریابی و فروش محصولات اعضا	۶۸	۳۲
۱۴	روزمرگی و فقدان برنامه‌ریزی در تعاونی	۶۸	۳۲

۳۴	۶۶	نبود مشارکت آگاهانه و فعال اعضاء در تصمیم‌گیری‌های تعاونی	۱۵
۳۵	۶۵	مشخص نبودن سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در قبال تعاونی‌ها	۱۶
۳۵	۶۵	نداشتن آگاهی و شناخت اعضاء از اهداف و قوانین تعاونی	۱۷
۳۷	۶۳	پایین بودن روحیه مسئولیت‌پذیری در بین اعضاء تعاونی	۱۸
۳۸	۶۲	عدم جلب اعتماد کافی اعضاء	۱۹
۳۹	۶۱	اختلافات میان اعضا و ارکان تعاونی	۲۰
۴۰	۶۰	پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضاء تعاونی	۲۱

مرحله چهارم دلفی

مرحله چهارم نیز برای رسیدن به اجماع در مورد گویه‌های استخراج شده بود. در این مرحله آخرین فرصت برای متخصصان فراهم شد تا نظرات خود را تغییر دهند. به دلیل تشابه بسیار بالای گویه‌ها با مرحله سوم و توافق کامل با مرحله قبل از تکرار مجدد جدول خودداری شد. با توجه به نتایج به دست آمده از مرحله چهارم می‌توان گفت که در خصوص موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی در شهرستان ارومیه توافق نظر حاصل شده است و به عبارت دیگر اجماع کلی در این زمینه بدست آمده است.

۱) تحلیل عاملی موانع شرکت‌های تعاونی روستایی

در تحلیل انجام شده، مقدار KMO برای مجموعه چالش‌ها و موانع تعاونی‌های روستایی ۰/۸۷۹ بدست آمد که بیانگر مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی می‌باشد. زیرا دامنه KMO بین صفر تا یک بوده و هر چه قدر این میزان به یک نزدیک‌تر باشد به همان میزان روایی نمونه بالاتر است. همچنین نتیجه آزمون بارتلت با مقدار ۱۸۳۸/۳۱۵ بدست آمد که در سطح یک درصد معنی‌دار بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و متغیرهای هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با یکدیگر دارند. جدول ۴، تعداد عوامل استخراج شده، مقدار ویژه هر یک از آن‌ها، درصد مقدار ویژه و درصد کل را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که برای تعیین تعداد عامل‌ها در این تحلیل از ملاک کیسر و درصد واریانس استفاده شده است. براساس این ملاک، عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از یک است انتخاب می‌شود. در این مرحله با توجه به ملاک‌های مذکور هفت عامل استخراج شد. از آنجایی که در تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی تبیین ۶۰ درصد از واریانس کل توسط عامل‌ها جهت تصمیم‌گیری کفایت می‌کند هفت عامل مذکور حدود ۶۲ درصد تغییرات واریانس کل را تبیین کردند.

جدول ۴. عامل‌های استخراج شده در خصوص چالش‌ها و موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی

شماره عامل	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصدی از کل عامل‌ها
۱	عامل اول	۲/۷۴۰	۱۱/۴۱۷	۱۸/۴۰۵
۲	عامل دوم	۲/۷۱۸	۱۱/۳۲۵	۱۸/۲۵۷
۳	عامل سوم	۲/۴۱۴	۱۰/۰۶۰	۱۶/۲۱۸
۴	عامل چهارم	۲/۰۰۵	۸/۳۵۴	۱۳/۴۶۷
۵	عامل پنجم	۱/۹۷۶	۸/۲۳۵	۱۲/۲۷۶
۶	عامل ششم	۱/۶۰۶	۶/۶۹۰	۱۰/۷۸۵
۷	عامل هفتم	۱/۴۲۷	۵/۹۴۸	۹/۵۸۹
	جمع کل		۶۲/۰۲۹	۱۰۰

با توجه به نتایج جدول ۵، متغیرهای پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضاء تعاونی، پایین بودن روحیه مسئولیت‌پذیری در بین اعضاء تعاونی، اختلافات میان اعضاء و ارکان تعاونی، نداشتن آگاهی و شناخت کافی اعضاء از اهداف و قوانین تعاونی و عدم جلب اعتماد کافی اعضاء دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ بودند و در مجموع با تبیین ۱۱/۴۱ درصد از تغییرات واریانس کل در عامل اول بارگذاری شدند. با توجه به ماهیت متغیرهای موجود این عامل فرهنگی- اجتماعی نامگذاری شد. متغیرهای نبود مشارکت آگاهانه و فعال اعضاء در تصمیم‌گیری‌های تعاونی، کم سواد بودن بی سواد بودن اعضاء، بالا بودن میانگین سنی اعضاء و تجهیز نبودن تعاونی‌های روستایی به استانداردهای روز دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ بودند و در مجموع با تبیین ۱۱/۳۲ درصد از تغییرات واریانس کل در عامل دوم بارگذاری شدند. با توجه به متغیرهای موجود این عامل ویژگی‌های ساختاری نام گرفت. دو گویه بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و اخذ آن، کمبود سرمایه و توان مالی شرکت‌های تعاونی دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ بودند که این عامل اقتصادی نامگذاری شد. عامل سوم حدود ۱۰/۰۶ درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل چهارم، که سه متغیر دارد، حدود ۸/۳۵ درصد از واریانس تحلیل‌عاملی را به خود اختصاص داد و با توجه به متغیرهای واقع شده در آن، این عامل مدیریتی نامگذاری شد. متغیرهایی مانند فقدان مدیریت شایسته و توانمند در تعاونی‌ها یا ارگان ناظر، کم بودن شناخت مسئولان از نیازهای واقعی تعاونی‌ها و فقدان برنامه‌ریزی در تعاونی در این گروه قرار دارند. عامل پنجم متشکل از سه متغیر، حدود ۸/۲۳ درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کند. این عامل با توجه به ماهیت متغیرهایش، سیاستی نامگذاری شد. متغیرهایی مانند کاهش تدریجی وظایف تعاونی‌ها و دوری از وظایف تعریف شده در اساسنامه، نبود رابطه‌ی مشارکت واقعی میان دولت و تعاونی‌ها و دخالت دولت و

وجود سیستم مدیریتی از بالا به پایین در این عامل قرار دارند. در عامل ششم نیز دو متغیر عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مراکز دولتی با تعاونی‌ها و مشخص نبودن سیاست‌های حمایتی نظارتی دولت در قبال تعاونی‌ها دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ بودند. این عامل سازمانی و حمایتی نامگذاری شد. عامل ششم حدود ۶/۶۹ درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کند. عامل هفتم و آخرین عامل با تبیین حدود ۵/۹۴ درصد از تغییرات واریانس کل از دو متغیر تشکیل شده است. با توجه به وجود متغیرهایی مانند عدم ایفای نقش در بازاریابی و فروش محصولات اعضاء و رضایت‌بخش نبودن فعالیت‌های آموزشی و ترویجی این عامل خدماتی نامگذاری شد.

جدول ۵. متغیرهای مربوط به هر یک از عامل‌ها و ضرایب به دست آمده از ماتریس دوران‌یافته به روش واریماکس

نام عامل	گویه‌ها	بار عاملی
فرهنگی - اجتماعی	پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضاء تعاونی	۰/۷۵۳
	پایین بودن روحیه مسئولیت‌پذیری در بین اعضاء تعاونی	۰/۶۸۳
	اختلافات میان اعضاء و ارکان تعاونی	۰/۶۸۰
	نداشتن آگاهی و شناخت اعضاء از اهداف و قوانین تعاونی	۰/۶۰۰
	عدم جلب اعتماد کافی اعضاء	۰/۵۱۵
ویژگی‌های ساختاری	نبود مشارکت آگاهانه و فعال اعضاء در تصمیم‌گیری‌های تعاونی	۰/۷۴۶
	بالا بودن میانگین سنی اعضاء	۰/۷۰۰
	کم‌سوادی و بی‌سوادی اعضاء	۰/۶۸۷
	تجهیز نبودن تعاونی‌های روستایی به استانداردهای روز	۰/۵۹۴
اقتصادی	بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و اخذ آن	۰/۸۲۳
	کمبود سرمایه و توان مالی شرکت‌های تعاونی	۰/۷۴۳
مدیریتی	فقدان مدیریت شایسته و توانمند تعاونی‌ها یا ارکان ناظر	۰/۶۸۰
	کم‌بودن شناخت مسئولان از نیازهای واقعی تعاونی‌ها	۰/۶۰۱
	روزمرگی و فقدان برنامه‌ریزی در تعاونی	۰/۵۵۸
سیاستی	کاهش تدریجی وظایف تعاونی‌ها و دوری از وظایف تعریف شده در اساسنامه	۰/۷۲۷
	نبود رابطه‌ی مشارکت واقعی میان دولت و تعاونی‌ها	۰/۵۶۹
	دخالت دولت و وجود سیستم مدیریتی از بالا به پایین	۰/۵۶۲
سازمانی - حمایتی	عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مراکز دولتی با تعاونی‌ها	۰/۷۷۰
	مشخص نبودن سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در قبال تعاونی‌ها	۰/۵۹۳
خدماتی	عدم ایفای نقش در بازاریابی و فروش محصولات اعضاء	۰/۷۶۴
	رضایت‌بخش نبودن فعالیت‌های آموزشی و ترویجی	۰/۶۹۸

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی در شهرستان ارومیه بود. براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، موانع توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه در قالب هفت عامل فرهنگی - اجتماعی، ویژگی‌های ساختاری، اقتصادی، مدیریتی، سیاستی، سازمانی - حمایتی و خدماتی شناسایی شدند که ۶۲ درصد از واریانس را تبیین کردند. هریک از عوامل بایستی در رفع موانع توسعه تعاونی‌های در شهرستان ارومیه برحسب اهمیت مورد توجه واقع شود. مطابق با نتایج تحلیل عاملی، عامل فرهنگی - اجتماعی

با تبیین ۱۱/۴۱ درصد از تغییرات واریانس به عنوان مهم‌ترین چالش توسعه تعاونی‌های روستایی در منطقه مورد مطالعه بود و گویه‌های پایین بودن دانش حرفه‌ای اعضای تعاونی و روحیه مسئولیت‌پذیری در بین اعضای تعاونی به ترتیب در این عامل اهمیت بیشتری داشتند از این رو نیاز است کارشناسان تعاون روستایی جلسات و کارگاه‌های توانمندسازی در رابطه با ماهیت اهداف، کارکردها و ویژگی‌های تعاونی و مزایای آن برگزار کنند تا از این طریق آگاهی اعضا را ارتقا دهند. مرادنژادی و همکاران (۱۳۹۴) و نصرالهی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مطالعات خود ارتقاء آگاهی اعضا از اصول و اهداف تعاونی را از عوامل موفقیت این شرکت‌ها ذکر کردند.

دومین چالش توسعه تعاونی‌های روستایی در منطقه مورد پژوهش ویژگی‌های ساختاری بود که برای رفع آن پیشنهاد می‌شود در گام اول از نیروهای جوان و تحصیلکرده در کنار اعضا با تجربه استفاده شود و در گام دوم با برگزاری جلسات عمومی اعضا و هیأت مدیره تعاونی، برنامه دقیق، جامع، اصولی و واقع‌بینانه براساس نیازهای تعاونی در قالب برنامه کوتاه مدت و بلند مدت تدوین گردد تا از این طریق فعالیت‌های تعاونی نظامند شود و مشارکت اعضا افزایش یافته و اعتماد آنها نسبت به هیأت مدیره و خود تعاونی ارتقا یابد. اهمیت این عامل در مطالعات حیدری ساریان (۱۳۹۱)، عطائی و ایزدی (۱۳۹۴)، بلالی و همکاران (۱۳۹۶) و کریمیان و همکاران (۱۳۹۷) نیز تایید شده است.

طبق نتایج عامل اقتصادی در رده سوم موانع توسعه تعاونی‌های روستایی قرار گرفته است، که نشانگر کمبود منابع مالی و سخت‌گیری بیش از اندازه در پرداخت اعتبارات و تسهیلات بانکی به شرکت‌های تعاونی است. توصیه می‌شود به رفع موانع مرتبط با نظام بانکی از جمله پایین‌آوردن کارمزد تسهیلات بانکی برای تأسیس تعاونی، کوتاه نمودن فرایند پرداخت وام، همکاری بانک در زمینه قسطبندی متناسب اقساط بانکی و اعطای تسهیلات به میزان نیاز واقعی توجه ویژه‌ای شود تا با دسترسی آسان‌تر به اعتبارات و تسهیلات بانکی زمینه گسترش تعاونی‌ها و در نتیجه پیشرفت و موفقیت بیشتر آنها حاصل گردد. قیطاسوندی (۱۳۹۴)، نصرالهی و همکاران (۱۳۹۴) و فیروز آبادی و حسینی (۱۳۹۰) نیز در مطالعات خود بر رفع موانع مالی شرکت‌های تعاونی تاکید کردند.

نبود مدیر کاردان و با تجربه در شرکت‌های تعاونی روستایی علت بسیاری از مشکلات از جمله اختلافات میزان اعضا، قرار نگرفتن اعضا در جایگاه مناسب و عدم مسئولیت‌پذیری آنها و ... است. لذا مدیران تعاونی‌ها از میان افراد توانمند، تحصیلکرده، متخصص و دارای مهارت مدیریتی انتخاب شود. ضمن اینکه برگزاری کلاس‌های آموزشی و ارتقای آگاهی و دانش مدیران و ارکان شرکت‌های تعاونی روستایی تأثیر مثبتی بر افزایش توانمندی‌های مدیریتی خواهد داشت. اهمیت عامل مدیریتی در پژوهش قیطاسوندی (۱۳۹۴) و کریم (۱۳۹۴) نیز تایید شده است.

در زمینه عامل ششم و نظر به نقش عوامل سازمانی و عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مراکز دولتی با تعاونی‌ها پیشنهاد می‌شود شرح وظایف سازمان‌ها در قبال شرکت‌های تعاونی کاملاً نظام‌مند و مشخص شود و بر فعالیت آنها در جهت خدمات‌رسانی به شرکت‌های تعاونی نظارت و کنترل بیشتری صورت پذیرد. مشخص نبودن سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در قبال تعاونی‌ها از دیگر مشکلات این شرکت‌ها محسوب می‌شود در این راستا توصیه می‌گردد سیاست‌ها و ابلاغیه‌های دولتی در بخش تعاون تثبیت و کمتر دچار تغییر و تحول در طول زمان شود و مناسبات دولت با شرکت‌های تعاونی‌ها بایستی به گونه‌ای تنظیم گردد که ضمن ایفای وظایف هدایتی، حمایتی و نظارتی

موجبات وابستگی و شائبه‌ی دولتی بودن یا شدن آن‌ها را ایجاد و تقویت نکند. اهمیت عامل سازمانی- حمایتی در پژوهش شکرزی زاده سعادت آباد (۱۳۹۰) نیز اثبات شده است.

عدم ایفای نقش در بازاریابی و فروش محصولات اعضاء از دیگر مشکلات شرکت‌های تعاونی روستایی بود. از آنجایی که برای انجام هر فعالیتی به ویژه بازاریابی به اطلاعاتی درباره بازارها و آموزش نیاز است لذا در مرحله اول تدارک آموزش‌های لازم و اطلاعات کافی به تعاونی‌های روستایی برای انجام بازاریابی موفق ضرورت دارد. در مرحله دوم باید ایجاد امکانات زیرساختی مناسب مانند انبار، سردخانه و... مدنظر قرار گرفته و تمهیدات لازم جهت رفع این کمبود اتخاذ گردد. اداره تعاون می‌تواند در هر دو مرحله با حمایت‌های آموزشی و مالی شرکت‌های تعاونی را در دستیابی به این هدف یاری رساند. اهمیت این عامل در مطالعات فیروز آبادی و حسینی (۱۳۹۰)، مرادنزادی و همکاران (۱۳۹۴) و هادی‌زاده بزاز و بوزرجمهری (۱۳۹۵) نیز تایید شده است.

منابع

- آرین‌نیا، ب. ۱۳۹۲. سنجش کیفیت خدمات شرکت‌های تعاونی روستایی شهرستان ارومیه و عوامل مؤثر بر آن. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تبریز.*
- برقی، ح. و شایان، م. ۱۳۹۶. تحلیل عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی بر پایداری اشتغال روستایی (نمونه موردی شهرستان کاشان)، *علوم جغرافیایی، ۲۷: ۱-۲۰.*
- بلالی، ح. موحدی، ر. و نظری کمرودی، ج. ۱۳۹۶. ارزیابی عوامل اثرگذار در بهبود عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در شهرستان سوادکوه، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی، (۸) ۴: ۵۷۹-۵۹۰.*
- حیدری ساربان، و. ۱۳۹۱. بررسی عوامل مؤثر بر تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی: استان اردبیل)، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۸۰: ۱۳۰-۱۱۸.*
- خسروی، ح. و یزدانی، م. ۱۳۹۶. علل ناکارآمدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه بخش تعاونی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، *فصلنامه تعاون و کشاورزی، (۶) ۲۳: ۲۱۰-۱۷۲.*
- زارعی، ق. و طریقت مهربانی، ح. ۱۳۹۸. شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی با استفاده از رویکرد ترکیبی در شهرستان سراب، *پژوهش‌های روستایی، (۱) ۱۱: ۱۵۸-۱۶۸.*
- سبزی، ا. ۱۳۹۴. نقش تعاونی‌های روستایی در توسعه اقتصادی روستایی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.*
- صاحب‌دل علی جهانی، ع. کاوسی کلاشمی، م. و محفوظی، غ. ۱۳۹۹. بررسی عملکرد مالی شبکه تعاونی‌های روستایی استان گیلان پس از اجرای طرح خرید و فروش متمرکز نهاده‌های کشاورزی، *تعاون و کشاورزی، ۹ (۳۵): ۲۲-۵۱.*

- عطائی، پ. و ایزدی، ن. ۱۳۹۴. سازه‌های تأثیرگذار بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی (مورد مطالعه: تعاونی روستایی امیرکبیر در استان فارس). *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۱۱(۱): ۱۸۱-۱۹۶.
- عیدی، ا. و کاظمیه، ف. ۱۴۰۰. تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و نقش آن در ناپایداری مناطق روستایی، ششمین همایش بین‌المللی دانش فناوری و علوم کشاورزی منابع طبیعی و محیط‌زیست ایران، تهران.
- فیروزآبادی، س.ا. و حسینی، س.ر. ۱۳۹۰. بررسی موانع و مشکلات تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی (مورد مطالعه: شرکت تعاونی روستایی کوشک هزار بیضا، فصلنامه توسعه روستایی، ۳(۳): ۲۲-۳۸.
- قیطاسوندی، م. ۱۳۹۴. ارزیابی عملکرد تعاونی‌های بخش کشاورزی و بررسی علل موفقیت و موانع توسعه آنها، کنفرانس بین‌المللی توسعه با محوریت کشاورزی، محیط‌زیست و گردشگری، تبریز.
- کریم، م.ح. ۱۳۹۴. چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۴(۳): ۱۹۶-۱۷۴.
- کریمیان، ر.ا. غلامی کالوس، ع. و کرمی، آ. ۱۳۹۷. چالش‌های توسعه تعاونی‌ها و تشکل‌های روستایی شهرستان بویراحمد. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۷(۱۴): ۶۲-۸۵.
- مراذنادی، ه. فریادرس، ز. و احدی، م. ۱۳۹۴. شناسایی و تحلیل مشکلات شرکت‌های تعاونی مرزنشین شهرستان ایلام. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۴(۱۶): ۱۷۶-۱۵۲.
- نصرالهی، م. اللهیاری، م. و صداقت حور، ش. ۱۳۹۴. عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران در استان گیلان، *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۴(۱۴): ۱۱۲-۱۲۵.
- هادی‌زاده بزاز، م. و بوزرجمهری، خ. ۱۳۹۵. بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در افزایش توانمندی فنی و اقتصادی کشاورزان مناطق روستایی شهرستان نیشابور. *راهبردهای توسعه روستایی*، ۴: ۴۳۵-۴۴۶.
- Baldacchino, P.J. Elena, M.G. Simon, G. 2018. Analysing the Barriers to the Development of Maltese Cooperatives, in Simon Grima, Pierpaolo Marano (ed.) *Governance and Regulations' Contemporary Issues Contemporary Studies in Economic and Financial Analysis*, (99) Emerald Publishing Limited, 55 – 92.
- Briscoe, T. 2010. "Making Worker Cooperatives Effective in South Pacific" in the *Journal of Pacific Countries*, *FAO Regional Office for Asia and the Pacific*, Bangkok, pp. 243-248
- Feisali, M. and Niknami, M. 2021. Agricultural Cooperatives: Evidence from Iran's desert area, *Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences*, Volume 20, Issue 7:425- 432.
- Norashikin, H.I. 2018. Designing indicators for cooperative sustainability: The Malaysian perspective, *Social Responsibility Journal*, 14(1), 226-248.
- Nyoro, J. K., & Komo, I. 2005. An analysis of success, failure and demand factors of agricultural cooperatives in Kenya. Policy Brief paper, Strategies and analysis for growth and access.
- Pujara, M. 2016. Problems and Issues facing Farmers groups and cooperatives in Agricultural marketing. Retrieved from <https://www.linkedin.com/pulse/agriculture-marketing-mandeepujara> .

- Qiao, L., & Jian-hua, W. 2013. Characteristics & challenges that rural specialized cooperatives providing services to farmer household. *Journal of Peking University (Philosophy & Social Sciences)*. Retrieved from http://en.cnki.com.cn/article_en/CJFDTotal-BUS1201303040.htm
- Rodriguez, J. & College, A. 2010. Smallholders' agricultural cooperatives and rural development in Colombia. *Becario Colfuturo*. Pp 1-62.
- Unal, V. 2008. A Comparative study of success and failure of fishery cooperatives in the Agen, Turkey. *Journal Compillation 2008 Blackwell Verlag*.
- World Bank. 1995. Cooperatives face the future, Rural Development.

Identifying barriers to the development of rural cooperatives in Urmia

Fatemeh Kazemiyeh^{1*}, Asma Eidi² and Sadegh Esmaili³

Abstract

The formation and expansion of rural cooperative companies is one of the most important policies and strategies for the development of the agricultural sector and the rural society of Iran in the last half century. Therefore, considering the role that rural cooperative companies can have in this regard, the present research was conducted with the aim of identifying the barriers to the development of rural cooperative companies in Urmia city. This research is applied in terms of purpose and analytical-exploratory in terms of methodology and has a qualitative-quantitative approach. The statistical population consisted of two groups. The first group was experts and experts in rural cooperative affairs, which was conducted with 15 people using a targeted sampling method. The second group of managers and members of the board of directors of rural cooperative companies in Urmia city in 2021 were 120 people, and due to the limited statistical population, the census method was used to collect information. Collecting and collecting data and information was done in the form of documents and field. Data analysis was done using exploratory factor analysis technique and with the help of *Spss₂₂* software. The results of the research showed that the barriers to the development of rural cooperative companies in Urmia city were classified in the form of seven social-cultural factors, structural, economic, managerial, political, organizational-supportive and service characteristics, and the first factor is called cultural. - Social and by explaining 11.41% of the variance changes, it was introduced as the most important factor, which is the low professional knowledge of the cooperative members, the differences in the amount of members and cooperative elements, the low spirit of responsibility among the cooperative members, including The variables located in this factor were Based on the obtained results, the problems summarized in seven factors explained about 62% of the total variance changes. According to the results of the research, it is suggested to raise the awareness of the members through holding empowerment workshops regarding the nature and function of cooperatives, principled and realistic planning based on the needs of

¹- Assistant Professor Dept. of Extension and Rural Development, Faculty of Agriculture, University of Tabriz, Iran

²- Ph.D. Student of Agricultural Development, Dept. of Extension and Rural Development, Faculty of Agriculture University of Tabriz, Iran

³- M.Sc of Rural Development, Dept. of Extension and Rural Development, Faculty of Agriculture University of Tabriz, Iran
*(Corresponding Email: kazemiyeh@tabrizu.ac.ir)

cooperatives and solving problems related to the banking system as a priority. Programs related to the development of rural cooperatives should be placed in Urmia city.

Keywords: Barriers, Delphi Technique, Rural Cooperatives, Urmia